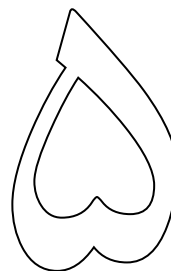


وضعیت جریانات اسلام‌گرا در الجزایر و چشم‌انداز آینده



یحیی فوزی*
سیدعباس هاشمی**
بهروز پایاب***

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
yahyafozi@yahoo.com

** استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
hashemi@ikiu.ac.ir

*** کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
behroozpayab@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۲ تاریخ تصویب: ۹۱/۴/۳۱
فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۶۳-۱۲۵.

چکیده

جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا همواره از نفوذ سیاسی - اجتماعی بالایی در جامعه الجزایر برخوردار بوده‌اند و فعالیت این جریان‌ها در طول نزدیک به هفت دهه فعالیت، فرازوفرودهای بسیاری داشته است. هدف این مقاله پاسخ‌گویی به این پرسش است که صف‌بندی جدید گروه‌های اسلام‌گرا و مواضع آنها در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از جنگ‌های داخلی الجزایر که بعد از سرکوب جبهه نجات اسلامی انجام شد چگونه می‌باشد؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا مروری بر عوامل مؤثر بر شکل‌گیری جریان‌ات سیاسی اسلام‌گرا در الجزایر و روند تحولات این جنبش خواهیم داشت و سپس با روشی توصیفی به بررسی صف‌بندی جریان‌ات اسلام‌گرا در آن کشور خواهیم پرداخت. براساس یافته‌های این پژوهش پس از انحلال جبهه نجات اسلامی و حذف جریان رادیکال از عرصه سیاسی الجزایر، چند گروه اسلام‌گرا با مشی میانه‌روانه در عرصه سیاسی الجزایر حضور دارند که تفاوت آنها را می‌توان در تاکتیک‌های سیاسی آنها دانست؛ اما همه آنان بر مشی مسالمت‌آمیز سیاسی تأکید می‌نمایند.

واژه‌های کلیدی: جنبش اسلامی معاصر، الجزایر، جبهه نجات اسلامی، تشکل الجزایر سبیز،

جنبش النهضة الاسلامیه



مقدمه

الجزایر بزرگ‌ترین کشور شمال غربی آفریقا، با وسعت ۲۳۸۱۴۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد. جمعیت این کشور حدود ۳۴ میلیون (۲۰۰۹) است که ۹۹ درصد آنان عرب - بربر و اکثراً مسلمان سنی مالکی‌مذهب هستند. اعراب در سده‌های هشتم و یازدهم میلادی اسلام را وارد این سرزمین کردند در ۱۵۱۸ این کشور بخشی از امپراتوری عثمانی شد. الجزایر در سال ۱۸۳۰ ضمیمه و مستعمره فرانسه گردید و از سال ۱۸۴۸ تا ۱۹۶۲ به‌عنوان بخشی از فرانسه تحت حاکمیت آن اداره می‌شد و در ۱۹۶۳ پس از جنگ‌هایی خونین استقلال یافت (COI, 2013: 12).

همواره اسلام‌گرایان چه قبل و چه بعد از استقلال نقش مهمی در عرصه سیاسی و اجتماعی آن ایفا کرده‌اند که در این مقاله ضمن مروری بر روند تحولات این جریان‌ات تلاش خواهیم کرد تا به بررسی وضعیت موجود آنها بپردازیم و به این سؤال پاسخ دهیم که صف‌بندی جدید گروه‌های اسلام‌گرا و مواضع آنها در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از جنگ‌های داخلی الجزایر که بعد از سرکوب جبهه نجات اسلامی انجام شد چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا مروری بر عوامل مؤثر بر شکل‌گیری جریان‌ات سیاسی اسلام‌گرا در الجزایر و روند تحولات این جنبش خواهیم داشت و سپس با روشی توصیفی به بررسی صف‌بندی جریان‌ات اسلام‌گرا در آن کشور خواهیم پرداخت و درنهایت تلاش می‌کنیم تا براساس اطلاعات و یافته‌های وضعیت موجود، به بیان وضعیت و راهکارهای آتی رهبران این جنبش فکری در الجزایر برای بازیابی و ارتقاء جایگاه خود در عرصه سیاسی الجزایر بپردازیم.

۱. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری جریانات سیاسی اسلام‌گرا در الجزایر
عوامل مختلف زیر را می‌توان از جمله مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری جنبش‌های
سیاسی با ماهیت اسلامی در الجزایر دانست:

۱-۱. اشغال الجزایر

در سال ۱۸۳۰ دولت فرانسه به الجزایر حمله کرده و آن کشور را به تصرف خود
درآورد. استعمار فرانسه در الجزایر همراه با برنامه‌های خاصی بود که هویت
فرهنگی الجزایر را تغییر می‌داد. فرانسویان در دوران استعمار بر الجزایر برنامه‌های
درازمدتی برای اسلام‌زدایی و تحقیر مسلمانان با اجرای سیاست‌هایی همچون
انضمام و همانندسازی، محو جامعه بومی، حذف تشکیلات حقوق اسلامی، تدوین
برنامه‌های آموزش به سبک غرب با حذف روش‌های تدریس مدارس دینی تا آنجا
پیش رفتند که در سال ۱۸۸۲ برای تغییر شناسنامه و دادن نام‌های خانوادگی جدید
که ریشه اسلامی نداشت، اقدام کردند. این اقدامات از جمله عوامل مهمی بود که
بخشی از نیروهای مسلمان را به مقابله با اشغالگران واداشت و نخستین جنبش‌های
اسلامی برای مقابله با حذف هویت فرهنگی الجزایر و استقلال آن شکل گرفت.

۱-۲. بحران‌های اقتصادی و اجتماعی پس از استقلال

اقتصاد دولتی و برنامه‌های سوسیالیستی الجزایر که ناظر به آموزش، اشتغال، مسکن،
و خدمات اجتماعی بود، ریشه در منافع سرشار پتروشیمی داشت؛ ولی در میانه دهه
۱۹۸۰، الجزایر نیز (که درآمدهای نفتی آن بالغ بر ۹۰ درصد صادرات آن را تشکیل
می‌داد) مانند بسیاری از کشورهای تحت تأثیر بحران اقتصاد جهانی و سقوط قیمت
نفت قرار گرفت که این امر منجر به بحران اقتصادی و در نتیجه رشد بیکاران و
افزایش نارضایتی اجتماعی در این کشور شد. این وضعیت در اکتبر ۱۹۸۸ به
اعتراضات گسترده خیابانی و «شورش‌های مواد غذایی» منجر شد. موجی از
تظاهرات عمومی کل کشور را فراگرفت و به واسطه سقوط استانداردهای زندگی
(نرخ بالای بیکاری، کمبود شدید مسکن و مواد غذایی، فساد و حکومت ناکارآمد)
تشدید شد. تظاهراتی که از الجزایر شروع شد به سرعت به سایر شهرهای بزرگ
به‌ویژه اوران و کنستانتین سرایت کرد. در چنین بستری بود که زمینه مناسب‌تری

برای جریان‌های مخالف از جمله جریان اسلام‌گرا در کشور فراهم آمد (اسپوزیتو، ۱۳۸۹: ۲۹۵).

۳-۱. تضعیف هویت دینی جامعه

هرچند نیروهای اسلام‌گرا نقش مهمی در انقلاب الجزایر داشتند، اما پس از پیروزی به حاشیه رانده شدند و هویت دینی جامعه تضعیف شد؛ به طوری که در سال‌های بعد از استقلال سیاست‌های فرهنگی غیردینی دولت‌ها ادامه یافت. در این سال‌ها تسلط دولت بر تمام مراکز فرهنگی، سیاسی، آموزشی و سلطه لائیسم سیاسی و دور نگه داشتن اسلام‌گرایان از قدرت و فراموش کردن اسلام‌گرایان به عنوان یک جریان ریشه‌دار سیاسی (گروه پژوهش، ۱۳۹۰: ۳۲) ادامه داشت و جبهه آزادی‌بخش ملی به عنوان تنها حزب رسمی، علاوه بر مهار قدرت سیاسی، دین، مدارس مذهبی در حال ملی شدن، و نهادها و مقامات دینی، را نیز به عنوان اسلام ملی و سوسیالیستی، در انحصار خود درآورد و در لباس سوسیالیسم اسلامی، روش سکولاری را در توسعه سیاسی اقتصادی در پیش گرفت که نخبگان غرب‌گرا اجرا کرده بودند (اسپوزیتو، ۱۳۸۹: ۲۹۱-۲۸۹). از این رو به تدریج مساجد به یگانه سنگر مقاومت و تریبون در برابر رژیم تبدیل شد و اسلام‌گرایان تبدیل به یگانه معارض بالفعل دولت شدند؛ زیرا آنان از پایگاه اجتماعی برخوردار بودند (ابراهیم، ۱۳۸۵: ۳۶).

۴-۱. فضای باز سیاسی دهه ۸۰ میلادی

الجزایر بعد از استقلال بر پایه ایدئولوژی سوسیالیستی به سوی نظام تک‌حزبی سوق یافت و **هواری بومدین**، رهبر ارتش آزادی‌بخش ملی که به مبارزه قدرت جناح‌ها پایان داده بود، **احمد بن بلا** را در ۱۳ سپتامبر ۱۹۶۳ به عنوان رئیس‌جمهور منتخب الجزایر در رأس یک دولت غیرنظامی قرار داد. اما در بامداد روز ۱۹ ژوئن ۱۹۶۵ به شکلی غیرمنتظره بن بلا را بازداشت کرد و خود قدرت را به دست گرفت و حکومتش ۱۳ سال ادامه یافت و سرانجام در ۱۹۷۸ به سبب بیماری سرطان کبد درگذشت. بعد از بومدین در شرایطی که آشوب داخلی گسترده شده بود، **شاذلی بن جدید** در اکتبر ۱۹۸۸ با محور قرار دادن اصلاحات در زمینه‌های مختلف به ویژه



با وعده نظام چندحزبی بر سر کار آمد؛ لذا در اواخر دهه ۱۹۸۰ اصلاحات سیاسی آغاز و نظام چندحزبی جایگزین نظام تک‌حزبی شد (امیرخانی فراهانی، ۱۳۸۸: ۷۱-۶۶)؛ که این وضعیت شرایط مناسبی را برای حضور اسلام‌گرایان در مقابل احزاب اسلامی در مشارکت‌های سیاسی فراهم آورد.

۲. گروه‌های فکری و سیاسی اسلامی در الجزایر قبل از استقلال

نخستین سابقه اسلام سیاسی نسبت به مواضع ضددینی و ملی استعمار فرانسویان، در تاریخ معاصر الجزایر در قالب قیام *امیر عبدالقادر* از پیروان طریقه قادریه رقم زده شد. وی از سال ۱۸۳۰ تا ۱۸۴۷ به نبرد ادامه داد تا اینکه در نهایت به‌موجب خیانت بعضی از عناصر جیون و قتل‌عام مردم بی‌گناه و نبود سلاح، تسلیم شد. بعد از آن در سال‌های ۱۸۵۴-۱۸۵۲، انقلاب به رهبری *شیخ محمدبن عبدالله* در جنوب الجزایر پدیدار شد و پس از وی، توسط فرزندش *سیدی سلیمان* به‌مدت بیست سال ادامه یافت (امیرخانی فراهانی، ۱۳۸۸، ۶۰-۵۸). سپس بعد از جنگ جهانی اول، به‌صورت منسجم و سازمان‌یافته در حرکت *امیر خالد*، نوه امیر عبدالقادر ادامه یافت. در سال‌های بعد «جمعیت العلماء المسلمین» متشکل از گروهی از علمای الجزایر بود که با راهگشا ندانستن مبارزه مسلحانه، کوشیدند تا با ایجاد تشکل‌های حزبی، اهداف ضداستعماری را دنبال کنند. به عقیده آنان اصلاح فکر مردم مسلمان مقدمه لازم برای مبارزه مسلحانه است و هر حرکت مسلحانه بدون این مقدمه به جایی نخواهد رسید. لذا این جمعیت به دنبال آن بود که با ایجاد نسلی جدید تحت افکار اصلاح‌طلبانه خود که از شرق متأثر بود، حرکت و جنبش اسلامی الجزایر را شکلی جدید و ثابت ببخشد. با تأسیس این جمعیت، اوضاع اجتماعی، آموزشی و حتی سیاسی الجزایر دگرگون شد و بر جنبش و نیز بیداری جامعه الجزایر در سال‌های بعد (در قالب جبهه نجات اسلامی) نیز تأثیر گذاشت (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۵: ۷۲۲-۷۲۰).

۳. روند شکل‌گیری جنبش اسلامی پس از استقلال

دولت‌های بعد از استقلال، به تدریج نیروهای اسلام‌گرا را به حاشیه راندند و با اقدامات خود به آنها اجازه هیچ‌گونه حرکت منسجم هویت‌طلبانه را نمی‌دادند. اما

در اواخر دهه ۸۰ میلادی و در زمان شاذلی بن جدید برخی اصلاحات محدود در سیستم سیاسی قانون و آزادی تشکیل احزاب موجب شد تا جریان‌های اسلام‌گرا نیز اقداماتی در راستای ایجاد حزبی جهت تلاش برای احیای هویت جامعه خود انجام دهند.

درواقع سیاست‌های شاذلی بن جدید در جهت اصلاحات سیاسی و اقتصادی برای دگرگونی در اوضاع و خیم اقتصادی الجزایر بود که منجر به بروز ناآرامی‌ها و اغتشاشات گسترده و شورش‌هایی شد که به مرگ سید تن در اکتبر ۱۹۸۸ در قیام مردمی معروف به ثورة الخبز (انقلاب نان) انجامید؛ این عوامل بن جدید و دولت حاکم را وادار به آغاز فرایند دموکراتیک کردن جامعه به منظور آمادگی برای تجدیدنظر در منشور ۱۹۷۶ و ارائه قانون اساسی جدیدی در فوریه ۱۹۸۹ کرد که در آن اسلام به عنوان چهارچوب مشروعیت، جای سوسیالیسم را گرفت. (دکمجان، ۱۳۷۷: ۳۷۱) و نظام تک‌حزبی را در سال ۱۹۸۹ ملغی نمود و اجازه فعالیت برای احزاب خارج از جبهه آزادی‌بخش را فراهم نمود. (عباسی، ۱۳۷۰: ۳۴) که این شرایط زمینه را برای شکل‌گیری و ظهور احزاب اسلام‌گرا در الجزایر فراهم آورد.

۱-۳. شکل‌گیری جبهه نجات اسلامی

با تصویب قانون اساسی در ۲۳ فوریه ۱۹۸۹، و قانون احزاب سیاسی در ۵ ژوئیه همان سال، بیش از ۵۰ حزب سیاسی اجازه فعالیت یافتند. سه حزب اسلامی جبهه نجات اسلامی در ۶ سپتامبر ۱۹۸۹ و جنبش اسلامی النهضه در دسامبر ۱۹۹۰ و جنبش جامعه اسلامی (حماس) در آوریل ۱۹۹۱ از وزارت کشور اجازه فعالیت دریافت کردند. این سه حزب عمده‌ترین احزاب اسلامی در الجزایر بودند که تعداد زیادی از شخصیت‌های مطرح اسلامی (بلحاج، شیخ سحنونی، مدنی) و هیئت‌ها و مجامع مذهبی در رأس آنها قرار داشتند (گروه پژوهش، ۱۳۹۰: ۴۴-۴۳).

یک تقسیم‌بندی براساس یافته‌های پژوهش **کویتان ویکتورویچ** در اثر وی با عنوان «آناتومی جنبش سلفی» (Wiktorowicz, 2006) جریان‌های اسلام‌گرا در الجزایر را با توجه به نوع نگرش به جایگاه سیاست در اسلام به سه دسته تقسیم کرده است که عبارتند از:

۱. گروه‌های طرفدار اسلام غیرسیاسی: این گروه‌ها معتقدند پایبندی به اصول اسلام یک مسئولیت اجتماعی یا فردی است و در این راستا دگرگونی‌های سیاسی ضرورت ندارد؛

۲. گروه‌های طرفدار اسلام سیاسی (غیرانقلابی): بر این باورند حکومت اسلامی بهترین شکل حکومت است اما این هدف از طریق مشارکت سیاسی در نظام موجود نیز قابل دستیابی است؛

۳. گروه‌های طرفدار اسلام انقلابی معتقدند تأسیس حکومت اسلامی یک ضرورت فوری است و تنها راه رسیدن به آن، جهاد و انقلاب است. هدف این گروه‌ها سرنگونی حکومت و حاکم ساختن برداشت خود از اراده خداوند بر کشور است (Nessel, 2011: 2).

در یک بررسی عینی از جریان‌ات اسلام‌گرا در سه دهه گذشته می‌توان تا حد زیادی مواضع آنها را با این تقسیم‌بندی قابل انطباق دانست؛ به طوری که علاوه بر طرفداران اسلام اجتماعی و کمتر سیاسی در الجزایر که عمدتاً در مراکز فرهنگی و مساجد به تبلیغ مبانی دینی و اخلاقی در جامعه فعالیت می‌کردند.^(۱) می‌توان گفت در جبهه نجات اسلامی به عنوان نماینده جریان‌های اسلام‌گرای سیاسی دو جناح، با رویکردهای متفاوت، وجود دارد. نخست، جناح تندرو یا سلفی، به رهبری شیخ علی بلهاج (مرد شماره دو جبهه نجات اسلامی)، که به تشکیل دولت اسلامی معتقد بود و از توسل به زور نیز برای استقرار این هدف ابایی نداشت. این جناح بیشترین جایگاه را در میان قشر جوان دارد و همین جریان با رساترین فریادها تظاهرات خیابانی را در الجزایر به راه انداخت. از شخصیت‌های سلفی دیگری که در جبهه نجات اسلامی به شهرت زیادی رسیده‌اند، می‌توان به هاشمی سحنونی، بن عزوز زبیده (مدیر هفته‌نامه المنقذ)، محمد کرار (رهبر گروه الجهاد)، احمد مرانی و بشیر الفقیه اشاره کرد. این افراد در ادامه کار جبهه به دلیل مخالفت با تشدید درگیری‌های جبهه با حکومت، از عضویت در جبهه برکنار شدند. دوم، جناح میانه‌رو و اصلاح‌طلب، به رهبری عباس مدنی است. این جریان خواستار تشکیل دولت اسلامی از راه مسالمت‌آمیز و به شیوه سیاسی و مبارزات سیاسی مردم است. این جناح از همان راه و روش جمعیت العلماء المسلمین پیروی می‌کند. در کنار این

جریان، برخی از جناح سوم، معروف به گروه الجزائره، به رهبری شیخ محمد و شیخ عبدالقادر حشانی نیز نام می‌برند، اما آنها را نیز می‌توان معتقد به اسلام سیاسی میان‌رو در نظر گرفت که عمدتاً متشکل از افراد تحصیلکرده دانشگاه‌ها است. این جناح معتقد است که باید در الجزایر دولتی اسلامی، از طریق مسالمت‌آمیز سر کار آید؛ و خط‌مشی آن نیز مبتنی بر کار تشکیلاتی با هدف جذب افراد نخبه، کار فکری و ایدئولوژیکی و سیاسی به صورت علنی و کار سیاسی و نفوذ در گروه‌ها و ارکان حکومتی به صورت پنهان بوده است (گروه پژوهش، ۱۳۹۰: ۶۸-۶۴).

۲-۳. اهداف و اندیشه سیاسی جبهه نجات اسلامی

جبهه به لحاظ تشکیلاتی طیف وسیعی از افراد و سازمان‌ها را دربر می‌گرفت که برخی از اهداف و آرمان‌های آن عبارت بودند از: لزوم وحدت اسلامی، اصلاح نظام اداری، از بین بردن استبداد و برپایی دولت اسلامی، میانه‌روی در فعالیت‌ها، کثرت‌گرایی حزبی، نفی مردم‌سالاری غربی و اداره جامعه براساس قوانین اسلامی (کسرای، ۱۳۸۰: ۴۰-۳۹). به‌طور کلی، اساس حرکت جبهه نجات اسلامی، اسلام‌گرایی و تلاش برای اداره جامعه مطابق اصول اسلامی بوده است. در هفته‌نامه المنفذ (ارگان حزب) بارها به نوشته‌ها و اندیشه‌های متفکران اسلامی مانند شیخ محمد غزالی، ابن تیمیه، سید قطب و مالک بن نبی استناد شده است. این افراد بیشترین توجه را به مقابله با هجوم فرهنگی و بازگشت به خویشتن در برابر غرب‌گرایی و بیگانه‌پرستی معطوف کرده بودند. جبهه نجات اسلامی علت اصلی مشکلات الجزایر را علاوه بر مدیریت ضعیف و نالایق کشور، نظام مخرب تک‌حزبی و استبدادی می‌دانست و معتقد بود بحران الجزایر ناشی از رویارویی بین اصالت‌های فرهنگی و عقیدتی با فرهنگ بیگانه و استعماری است؛ از این‌رو، مدنی نیز مانند اغلب اسلام‌گرایان جهان، سکولاریسم و ایدئولوژی‌های وابسته به آن را عامل اصلی ضعف و افول مسلمانان می‌داند. عباس مدنی و سایر رهبران جبهه بیشتر بر حکومت اسلامی و مبارزه برای برپایی آن به‌عنوان خواست ملت تأکید می‌کردند و ارکان حکومت اسلامی از دید آنان عبارت بود از: رهبر عادل و مجری احکام شرع و ناهی از محرّمات، مجلس قانون‌گذاری که طبق احکام شرع اسلام



قانون‌گذاری کند و قوه قضائیه‌ای که در آن قاضی طبق احکام اسلام به قضاوت بپردازد (قزوینی، ۱۳۷۲: ۳۴). جبهه، اساس حکومت اسلامی را شورایی می‌داند. از نظر آنها، شورا و دموکراسی به این دلیل که هر دو از طریق انتخابات عمومی شکل می‌گیرند، به هم شباهت دارند، اما دموکراسی از این منظر که حاکمیت مردم را اساس می‌داند، با نظام اسلامی که اساس آن حاکمیت خداست، تعارض دارد. مدنی با حمایت از دموکراسی مشارکتی، بر آن بود که عدالت، آزادی، برابری و اصول سیاسی اخلاقی را می‌توان به بهترین وجه در دموکراسی اسلامی مبتنی بر اصول اسلامی یافت. این درحالی بود که بخشی از نیروهای جبهه نجات اسلامی که دارای گرایشات سلفی بودند، دموکراسی را به‌عنوان شیوه‌ای برای حکومت رد می‌کردند و معتقد بودند حکومت‌های دموکراتیک، چه سوسیالیستی چه سرمایه‌داری، تحت سلطه اقلیت‌های متنفذ و مستبد قرار دارند و دموکراسی، علاوه بر چالش با ارزش‌های دینی، فساد اخلاقی را نیز گسترش می‌دهد (گروه پژوهش، ۱۳۹۰: ۵۹).

سیاست خارجی جبهه نجات اسلامی براساس لزوم احترام به عهدنامه‌ها و قاطعیت در برابر استبداد استوار بود و به دو اصل همکاری با همه کشورهای براساس منافع ملی و تحریم کشورهای بی‌خوبی که می‌خواهند ممالک اسلامی را وابسته به خود کنند، تأکید داشت. جبهه نجات اسلامی، همانند سایر جنبش‌های اسلامی، به وحدت کشورهای اسلامی و امت واحد می‌اندیشید (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۵: ۶۸۱-۶۸۲). مدنی به‌رغم انتقاد به ایالات متحده، روابط مبتنی بر همکاری سازنده را که در آن استقلال الجزایر به رسمیت شناخته شود، مطلوب می‌داند و معتقد به حق تعیین سرنوشت برای مردم الجزایر و کل جهان اسلام بود.

جبهه هرچند برنامه مشخصی برای اصلاحات اقتصادی عرضه نکرد، اما نظام‌های سوسیالیستی بی‌اعتبار گذشته را طرد کرد و طرفدار نظام اقتصاد بازار بود. جبهه، مدل اقتصادی مبتنی بر عدالت را پیشنهاد می‌کند که در آن تضمین لازم برای سرمایه‌گذاری و ایجاد فضا برای شکوفایی منابع انسانی به‌واسطه سرمایه‌گذاری در مهارت‌های تکنولوژیکی و تخصصی فراهم می‌شود. درواقع جبهه، طرفدار اصلاحات اقتصادی بود که ناظر بر حفظ ذخایر و صادرات نفت به‌جای سایر منابع

الجزایر بود (اسپوزیتو، ۱۳۸۹: ۳۰۳-۳۰۲).

۳-۳. روند فعالیت جبهه نجات اسلامی

جبهه نجات اسلامی در انتخابات شهرداری‌ها به‌عنوان نخستین انتخابات آزاد الجزایر پس از استقلال، که در ۱۲ ژوئن ۱۹۹۰ برگزار شد، توانست به‌طور شگفت‌انگیزی ۵۵ درصد از آراء شوراهای شهری و ۶۶/۵ درصد از آراء شوراهای استانی را به‌دست آورد. این پیروزی تا حدود زیادی از اعتبار رژیم الجزایر کاست، لذا رژیم الجزایر برای پیشگیری از پیروزی‌های بعدی اسلام‌گرایان به تغییر قانون انتخابات در سوم آوریل ۱۹۹۱ و تعیین حوزه‌های انتخاباتی برای کاستن از حضور اسلام‌گرایان در مجلس مبادرت کرد که با مخالفت پارلمان الجزایر و همچنین با تهدید رهبران جبهه نجات اسلامی مبنی بر برگزاری اعتصاب عمومی روبه‌رو شد. سرانجام در ۲۵ مه ۱۹۹۱ اعتصاب، سراسر الجزایر را فراگرفت و اوضاع متشنج شد. رژیم به‌دنبال ۱۰ روز اعتصاب در ۶ ژوئن ۱۹۹۱ حالت فوق‌العاده در کشور برقرار و سران جبهه نجات اسلامی از جمله عباس مدنی و علی بلحاج را دستگیر کرد و حالت فوق‌العاده را به‌مدت چهار ماه ادامه داد. پس از برقراری آرامش، رژیم حالت فوق‌العاده را لغو و آمادگی خود را برای برگزاری انتخابات پارلمانی که مقرر شده بود دور اول آن در ۲۶ دسامبر ۱۹۹۱ و دور دوم آن در ۱۶ ژانویه ۱۹۹۲ برگزار شود، اعلام کرد. در این انتخابات بیش از ۴۹ حزب به رقابت پرداختند که در پایان نامزدهای جبهه نجات اسلامی به دومین پیروزی درخشان خود در صحنه انتخاباتی دست یافتند (گروه پژوهش، ۱۳۹۰: ۷۵-۷۰).

به‌عبارت دیگر، آنها ۴۷/۵۴ درصد آراء، یعنی ۱۸۸ کرسی از ۲۳۱ کرسی، را به‌دست آوردند، درحالی‌که جبهه آزادی‌بخش ملی به‌عنوان حزب حاکم، فقط ۱۶ کرسی را به‌دست آورد. سایر کرسی‌ها از ۴۳۰ کرسی باید در دوره دوم انتخابات در ژانویه ۱۹۹۲ تعیین می‌شدند. دورنمای چیرگی اسلام‌گرایان باعث ایجاد دلهره زیادی در میان نخبگان روشنفکر سکولار الجزایر شد و با نزدیک شدن دور دوم انتخابات، ارتش تصمیم به مداخله گرفت. دور دوم انتخابات که برای ۱۱ ژانویه ۱۹۹۲ برنامه‌ریزی شده بود توسط ارتش لغو شد؛ ارتش پس از آن اقدام به منحل کردن پارلمان نمود و رئیس‌جمهور،



شاذلی بن جدید (1979-1992) را وادار به استعفا کرد (Dessi, 2011: 3). با کنار رفتن او خلأ سیاسی بزرگی در کشور ایجاد شد و زمینه برای کودتای نظامیان فراهم آمد؛ لذا در ۱۲ ژانویه ۱۹۹۲، ارتش کودتا کرد. کودتای ارتش با ممنوعیت حزب جبهه نجات اسلامی، تعلیق قانون اساسی اصلاح شده در سال ۱۹۸۹ و تعیین پنج عضو شورایی عالی امنیت که کشور را تا زمان برگزاری دوباره انتخابات در نوامبر ۱۹۹۵ اداره کرد، تکمیل شد (Le Sueur, 2010: 50-54) پس از لغو مرحله دوم انتخابات، اوضاع متشنج شد و نظامیان به بازداشت و سرکوب و دستگیری اعضای مجلس شورای جبهه نجات اسلامی و هواداران آنها پرداختند که خود زمینه ساز فعالیت گروه های مسلح اسلامی و ارتش نجات اسلامی شد. به دنبال درگیری خشونت بار میان نیروهای انتظامی و طرفداران جبهه نجات اسلامی در سراسر کشور، محمد بوضیاف، رئیس شورایی عالی دولتی (منتخب شورای امنیت ملی به این سمت تا پایان مدت ریاست جمهوری بن جدید تا ۱۹۹۳)، در ۹ فوریه ۱۹۹۲ به مدت یک سال حالت اضطراری اعلام کرد و هم زمان، وزارت کشور نیز با صدور بیانیه ای، در ۴ مارس ۱۹۹۲ انحلال جبهه نجات اسلامی را (پس از گذشت ۲۹ ماه از اعلام موجودیت) صادر کرد. در ادامه شماری از سران آن دستگیر و روانه زندان شدند و سرانجام پس از یک سال بازداشت سران جبهه اسلامی، محاکمه غیابی آنان آغاز شد و در نهایت، عباس مدنی و علی بلحاج به دوازده سال زندان و سایر اعضا به چهار تا شش سال زندان محکوم شدند (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۵، ۶۸۰-۶۷۹).

۴-۳. سرکوب جبهه و رشد گروه های مسلح

لغو نتایج مرحله اول انتخابات مجلس در ژانویه ۱۹۹۲ و سرکوب، غیرقانونی و در نهایت انحلال جبهه نجات اسلامی، مسلماً به معنای توقف فعالیت های اسلام گرایان نبود، بلکه به معنای روی آوردن به فعالیت زیرزمینی و طبعاً مبارزه قهرآمیز با حکومت بود. در این مقطع، شاهد شکل گیری بازوی نظامی جبهه یعنی ارتش نجات هستیم که به مقابله مسلحانه با نیروهای امنیتی می پرداخت (خسروشاهی، ۱۳۷۹: ۱۲۸). شاخه نظامی جبهه به دو گروه منشعب شد (کسرای، ۱۳۸۰: ۱۸۰). گروهی میانه رو، تحت عنوان جنبش مسلح اسلامی، به رهبری شبوطی، از دستورهای سران جبهه اسلامی پیروی می کرد و گروه دیگر، جماعت

مسلح اسلامی به رهبری *ملیانی*، که دارای نظریات سلفی و افراطی بودند، از جبهه جدا شد. این دو گروه، از یک سو با حکومت و از سوی دیگر با یکدیگر مبارزه می‌کردند و فضای ترور و وحشت و کشتار را در کشور حاکم کردند (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۵: ۶۸۲). لازم به ذکر است که عده‌ای از آگاهان امور الجزایر بر این اعتقادند که ژنرال‌های ارتش و اداره اطلاعات و امنیت به درون جماعت نفوذ کرده و از درون اعمال آن را به‌منظور بدنام کردن اسلام‌گرایان هدایت می‌کردند (محمد، ۱۳۸۵: ۹۴-۹۱). مثلاً *آیت احمد* از بنیان‌گذاران جبهه آزادیبخش می‌گوید: چگونه می‌توان مدعی شد که در زمان حاکمیت دولت یک گروه تروریست بتواند به این کشتارهای گسترده دست زند؟ بن‌بلا نیز اظهار می‌دارد: مسئول اصلی بسیاری از این کشتارهای مردم بی‌گناه میلیشیای دولتی یا همان جوخه‌های مرگ است (خسروشاهی، ۱۳۷۹: ۱۲۳). *مله* نیز معتقد است از دهه ۱۹۸۰، سرویس‌های مخفی الجزایری عوامل خود را به افغانستان فرستاده بود تا از نزدیک اتباع الجزایری را که در جنگ علیه اتحاد جماهیر شوروی شرکت کرده بودند زیر نظر بگیرند. دستگاه اطلاعاتی الجزایر در پی بازگشت عوامل اعزامی پس از سال ۱۹۸۹، هیچ مشکلی در نظارت بر حرکات این اتباع و به‌خدمت گرفتن آنها برای اهداف خود نداشته است؛ بنابراین از همان آغاز، در گروه‌بندی‌ها برای جمع‌آوری الجزایری‌های «افغان» دخیل بوده است (Mellah, 2004: 12).

در ادامه تب‌وتاب سیاسی ملت‌هت در الجزایر، ژنرال *امین زروال* (وزیر دفاع سابق) در ۳۰ ژانویه ۱۹۹۴ از سوی شورایی عالی دولتی برای یک دوره سه‌ساله به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. حکومت نظامیان در الجزایر از ژانویه سال ۱۹۹۴ به ریاست امین زروال در فضایی از رعب و وحشت و ترور به حیات سیاسی خود ادامه داد. امین زروال قول داده بود که برای بازگشت آرامش به کشور با حزب نجات اسلامی مذاکره کند. (عباسی، ۱۳۷۰: ۴۰) اما به‌رغم برخی اقدامات اولیه از سوی او، وی در سال‌های بعد جنگی تمام‌عیار را برای قلع‌وقمع اسلام‌گرایان آغاز کرد و در نهایت نیز در سپتامبر ۱۹۹۸، بر اثر ناتوانی در بهبود اوضاع اقتصادی و معیشتی مردم و ایجاد امنیت لازم، تحت فشارهای نظامیان، استعفا کرد. در ۵ آوریل ۱۹۹۹، *عبدالعزیز بوتفلیقه* که از حمایت ارتش برخوردار بود، به‌عنوان رئیس‌جمهور



انتخاب شد. در دوران وی به تدریج الجزایر در وضعیت طبیعی قرار گرفت (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۵: ۶۸۱). با اقدامات آشتی جویانه وی در ۱۹۹۹، مرزاق مدنی، فرمانده کل ارتش نجات اسلامی، با ارسال نامه‌ای به وی توقف جنگ مسلحانه با رژیم را اعلام و حتی آمادگی‌اش را برای مبارزه با سایر گروه‌های مسلح که به کشتار مردم مبادرت می‌ورزند، اعلام کرد. بوتفلیقه نیز متعهد شد که آتش‌بس ۱۹۹۷ را پوشش قانونی و سیاسی دهد. اندکی بعد، بوتفلیقه زندانیان را آزاد و قانون وفاق ملی را تصویب نمود. آزادی رهبران جبهه نجات اسلامی، یعنی مدنی و بله‌اج در سال ۲۰۰۳ و پیشنهاد عفو دولت بوتفلیقه نیز تأثیر بسیار چشمگیری بر اوضاع داشت، و در نهایت درگیری و جنگ به تدریج در سال ۲۰۰۶ فروکش کرد و در نهایت نیز بخش مهمی از جماعت مسلح با بیرون رفتن از الجزایر به القاعده پیوستند (الطویل، ۱۳۹۱).

۴. جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا پس از سرکوب دهه ۹۰

به دنبال لغو انتخابات و انحلال جبهه نجات اسلامی و آغاز جنگ داخلی در الجزایر، جریان اسلام‌گرای رادیکال از صحنه سیاسی الجزایر به حاشیه رفت و دو جریان اسلام اجتماعی و کمتر سیاسی از یک سو و جریان اسلام‌گرای سیاسی غیرانقلابی و میانه‌رو از سوی دیگر در عرصه اجتماعی و سیاسی الجزایر حضور دارند. جریان‌های میانه‌رو با تجدید رویکردهای گذشته خود جایگاه مهم‌تری را نسبت به گذشته در عرصه سیاسی به خود اختصاص دادند و هم‌اکنون چند گروه اسلام‌گرا با مشی میانه‌روانه در عرصه سیاسی الجزایر حضور دارند که تفاوت آنها را می‌توان در تاکتیک‌های سیاسی آنها دانست؛ برخی بر ضرورت همکاری با دولت برای رسیدن به اهداف تأکید دارند و برخی بر استقلال بیشتر از دولت تأکید کرده و نقش اپوزیسیون را ایفا می‌کنند؛ اما هر دو گروه بر مشی مسالمت‌آمیز سیاسی تأکید دارند. آنها با تمسک به گفت‌وگو، میانه‌روی و میانجی‌گری و سیاست ممانعت با سیاست دولت‌های الجزایر نقش مؤثری در استمرار و تداوم فعالیت اسلام‌گرایان دارند. مهم‌ترین این گروه‌ها به شرح زیر می‌باشند.

۱-۴. جنبش جامعه صلح (حماس)

جنبش جامعه اسلامی (حماس) که با نام «جنبش جامعه صلح» نیز شناخته می‌شود، به رهبری **محمود نحناح** یکی از گروه‌های مهم اسلام‌گرا در الجزایر است که متأثر از افکار و اندیشه‌های **بن بادیس** و **الابراهیمی** (از رهبران جمعیت العلما)، **مالک بن نبی** و عقاید و اندیشه‌های متفکران اخوان‌المسلمین مصر و سوریه شکل گرفته است. جنبش جامعه اسلامی (حماس) در ۶ دسامبر ۱۹۸۸ توسط شیخ محفوظ نحناح تأسیس شد^(۲) و در ۲۹ آوریل ۱۹۹۱ فعالیت رسمی خود را شروع کرد. این جنبش خواستار شیوه تحول صلح‌آمیز و مرحله‌ای برای رسیدن به تشکیل دولت اسلامی است. این جنبش اسلامی با حرکت‌های رادیکال مخالف است و خواستار همکاری و مذاکره برای انجام اصلاحات می‌باشد. نحناح از درگیری مستقیم با سیاست پرهیز کرد و اتحادی اسلامی را بنیاد گذاشت که ائتلافی از سازمان‌های اجتماعی و دینی بود. این گروه از ورود به جبهه نجات اسلامی خودداری کرد و همواره مواضع میانه‌روانه آنان واکنش‌های مختلفی را از سوی جبهه نجات اسلامی برمی‌انگیخت که این گروه را به محافظه‌کاری و تکروری و همپیمانی با رژیم برای تضعیف جبهه محکوم می‌کردند؛ این امر اختلاف بین جبهه نجات اسلامی و گروه مذکور را در پی داشت. بر این اساس بسیاری از سکولاریست‌های الجزایری و ناظران غربی، نحناح و اتحاد مذکور را بدیل لیبرالی برای جبهه نجات اسلامی می‌دانستند که می‌توانست بسیاری از فرصت‌های انتخاباتی را از جبهه نجات اسلامی بگیرد (اسپوزیتو، ۱۳۸۹: ۳۱۱).

در خلال جنگ دوم خلیج فارس، جبهه نجات اسلامی از رژیم عراق حمایت کرد و بزرگ‌ترین تظاهرات مردمی را در تأیید عراق به راه انداخت و مواضع عربستان، کشورهای هم‌پیمان عرب و کشورهای غربی را محکوم کرد (گروه پژوهش، ۱۳۹۰: ۶۶). درحالی‌که شیخ محفوظ نحناح موضعی موافق با کشورهای حاشیه خلیج فارس گرفت و تجاوز عراق به کویت را محکوم کرد.

پس از سرکوب جبهه نجات اسلامی توسط ارتش الجزایر، زمینه برای حضور این گروه در عرصه سیاسی مهیاتر شد. نحناح ابتدا مخالف فعالیت گروه‌های اسلامی در قالب حزب بود و مخالف این بود که سازمان‌های مذهبی چون جبهه



نجات اسلامی تبدیل به حزب سیاسی شوند. اما به دنبال لغو انتخابات و انحلال جبهه نجات اسلامی و آغاز جنگ داخلی در الجزایر محیط مناسبی برای رشد این جریان به رهبری نحناح پدید آمد. روش مسالمت‌آمیز نحناح و تمسک به گفت‌وگو، میانه‌روی و میانجی‌گری و سیاست ممانعت با سیاست دولت‌های الجزایر نقش مؤثری در استمرار و تداوم فعالیت این گروه داشت؛ به طوری که نحناح گروه خود را در ۳۰ مه ۱۹۹۱ تحت عنوان حركة المجتمع الاسلامی (حماس)، در تلاش برای آشتی میان سایر احزاب اسلامی سازماندهی کرد و از دولت مجوز فعالیت سازمانی و حزبی گرفت (جاوید، ۱۳۸۶).

در این دوران این حزب خواستار آزادی رهبران جبهه نجات اسلامی، انجام اصلاحات در ارتش، حمایت از روند خصوصی‌سازی در اقتصاد کشور، اعطای امتیازاتی به قبایل، به رسمیت شناختن زبان، و حفظ یکپارچگی کشور بود. همچنین این گروه طرفدار راه حل سیاسی برای بحران الجزایر بود، از گفت‌وگو با رژیم حمایت می‌کرد و بارها با سران رژیم گفت‌وگو کرد.

جنبش حماس از ابتدای ۱۲ ژوئن ۱۹۹۰ تا کنون، در تمام انتخابات‌های محلی حضور فعال داشت، و اقدام به ایجاد ائتلاف میان گروه‌ها و احزاب سیاسی در الجزایر نمود، تاجایی که به «جنبش اقدام» شهرت یافت. این جنبش با هرگونه خشونت‌طلبی مخالفت می‌کرد و در مقابل تمسک به گفت‌وگو، میانه‌روی و میانجی‌گری را بهترین وسیله برای نجات ملت مسلمان الجزایر و برقراری «آشتی ملی» می‌دانست. جنبش حماس به برقراری شورا و دموکراسی دعوت می‌کند و محفوظ نحناح اصطلاح جدید «شورا کراسی» را خلق کرد. (جاوید، ۱۳۸۶)

برنامه‌های جنبش اجتماعی اسلامی (حماس) شامل موارد زیر است: تدوین قانون باید براساس هویت ملی گرایش‌های اصلی و طبیعت اکثر مردم جامعه صورت گیرد و لذا نظام باید پایبند به عقیده اسلامی باشد؛ برپایی یک حکومت متأثر از اسلام براساس شورا، مساوات، عدالت و آزادی؛ تضمین آزادی‌های فردی و عمومی، از جمله آزادی‌های اساسی و سیاسی؛ افزایش رقابت‌های سیاسی برای تحقق منافع کشور؛ تقسیم ویژگی‌های شورای قانونی و تقویت آن با حضور علما؛ مطابقت کارها با شریعت اسلامی و الغای قوانین مغایر و مخالف با شریعت اسلام؛

جدایی و استقلال قوای کشور از یکدیگر، و عدم تمرکز آنها در یک فرد یا یک شورا و به‌کارگیری شیوه چرخش قدرت؛ و حمایت از استقلال دستگاه قضایی و افزایش حمایت از قضاوت. پایگاه این جنبش گروه‌های تحصیلکرده و کادرهای بالا و میانی دستگاه رسمی حکومت است. ضمن اینکه این جنبش هیچ ارتباطی با حماس فلسطین ندارد (مؤسسه مطالعاتی اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۱: ۲۶۶).

محفوظ نحناح در سال ۱۹۹۵ به‌عنوان نامزد جنبش (حماس) در انتخابات ریاست‌جمهوری الجزایر شرکت کرد و با کسب ۳/۲ میلیون رأی و ۲۵ درصد کل آرا در رتبه دوم جای گرفت. این جنبش هدف خود از شرکت در انتخابات را چنین ترسیم کرده است: «بازسازی مؤسسات و سازمان‌های دولتی، ترسیم خطوط اعتدال و میانه‌روی و بیان دیدگاه حقیقی اسلام و جنبش اسلامی». در سال ۱۹۹۶ جنبش (حماس) موفق به جای دادن دو وزیر در کابینه دولت شد. این اقدام نخستین تجربه رسمی حضور اسلام‌گرایان الجزایری در دستگاه اجرایی دولت بود. یک سال بعد، جنبش در اولین انتخابات پارلمانی چندحزبی و انتخابات محلی شرکت کرد و به‌رغم تقلب در انتخابات، موفق به تصاحب ۷۱ کرسی پارلمانی و ۱۱۰۰ کرسی مجلس محلی شد. با توجه به آمار فوق تعداد وزرای اسلام‌گرا در کابینه دولت الجزایر به هفت نفر رسید. با استعفای امین زروال وضعیت تغییر کرد و شیخ نحناح به اتهام تغییر نام حزب از جنبش جامعه اسلامی به جنبش جامعه صلح و عدم استفاده از اصول ملی در راستای اهداف سیاسی، از شرکت در انتخابات ۱۹۹۹-۱۹۹۷ محروم شد. در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۹۹۹ شیخ به‌دلیل ترس از بازگشت هرج‌ومرج و خشونت ضمن ائتلاف با (جبهه آزادی‌بخش ملی) به حمایت از عبدالعزیز بوتفلیقه پرداخت. گروه نحناح در انتخابات سال ۲۰۰۲ تنها ۴۸ کرسی به‌دست آورد و تعداد وزیران وابسته به گروه از هفت نفر به ۴ نفر در کابینه دولت، کاهش یافت. با درگذشت نحناح در ژوئن ۲۰۰۳، شیخ ابوجره سلطانی جانشین او شد. او از خطوط ترسیم‌شده توسط نحناح، یعنی اعتدال و میانجی‌گری، گفت‌وگو با کلیه احزاب و ممانعت از بروز هرگونه خشونتی در هر سطح تبعیت کرد. سلطانی همچنین وزیر مشاور حکومت بوتفلیقه شد (مؤسسه مطالعاتی اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۱: ۲۶۶-۲۶۰).

قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری در آوریل ۲۰۰۴ ائتلافی شامل «جبهه



آزادی بخش ملی»، «جنبش جامعه صلح» و «تجمع ملی دموکراتیک» در دفاع از بوتفلیقه شکل گرفت. این احزاب در ۱۶ فوریه ۲۰۰۴ طی امضای یک تفاهم نامه کلیه اصول، مبانی، اهداف و راهکارهای دستیابی به آنها را تدوین کردند. پس از انتخاب عبدالعزیز بوتفلیقه کاندیدای آشتی ملی با ۸۴/۹۹ رأی از مجموع آراء به عنوان رئیس جمهور، مجال تازه‌ای برای تحقق آشتی ملی و خروج از بحران به وجود آمد که در آن دولت این گروه اسلام‌گرا نیز حضور داشتند.

هرچند با روی کار آمدن رئیس جمهور بوتفلیقه روابط اسلام‌گرایان و حکومت بهتر شد، اما به تدریج اختلافاتی بین طرفین بروز کرد که این امر موجب شد این گروه در ائتلاف با دیگر گروه‌های اسلامی به تلاشی مجدد از راه‌های دموکراتیک برای تحول در نظام سیاسی اقدام کند. و همراه با بقیه گروه‌های اسلام‌گرا اقدام به تشکیل جبهه الجزایر سبز نماید و خود را برای رقابت با دولت از طریق مسالمت‌آمیز آماده کند که این روند در دهه گذشته ادامه داشته است.

۲-۴. جنبش النهضة الاسلامیه

جنبش النهضة الاسلامیه به رهبری شیخ عبدالله جاب‌الله از جنبش‌های همفکر با اخوان المسلمین در الجزایر است که در دسامبر ۱۹۹۰ به عنوان سی‌امین حزب سیاسی رسماً فعالیت خود را آغاز کرد (مریان، ۱۳۹۰: ۳). در هنگام تأسیس جنبش النهضة الاسلامیه، شیخ عبدالله جاب‌الله برنامه‌های جنبش را در ۱۱ بند به ترتیب ذیل متمرکز کرد: احیای نقش مساجد به عنوان مراکز شناخت و اصلاح؛ تأکید بر میراث عربی - اسلامی؛ گسترش و تعمیم فرهنگ اسلامی از طریق روش‌های قانونی؛ شناساندن واجبات فردی و آموزش قرآن؛ مبارزه با فرهنگ غرب و تهاجم فرهنگی؛ اهمیت دادن به خانواده و نقش زن؛ تعمیم اخلاق و فضایل عمومی؛ ایجاد و تأسیس باشگاه‌های فرهنگی، ورزشی و صنعتی؛ آگاهی دادن به زندانیان و بزهکاران و مبارزه با بی‌سوادی؛ گسترش خدمات اجتماعی به نفع اقشار فقیر و مبارزه با بی‌سوادی؛ و کمک و یاری به مهاجران در حفظ هویت ملی.

این جنبش از همان ابتدای تأسیس روشی مستقل‌تر از رویکرد حماس در رویارویی با حکومت اتخاذ کرد و ضمن دفاع از مشی مسالمت‌آمیز و مذاکره با

دولت کمتر تمایلی برای شرکت در دولت و همکاری با رژیم نظامیان از خود نشان داد. هرچند در سال‌های بعد این مشی تغییر کرد و به حماس نزدیک شد. این جنبش در طول فعالیت سیاسی خود، معتقد است که باید احزاب اسلامی در صحنه سیاسی حضور داشته و از مطرح کردن شعارهای تند و ضددولتی خودداری کنند. جنبش معتقد است که گروه‌های اسلامی فعال در صحنه باید با یکدیگر همکاری کنند تا زمینه برای حکومت اسلامی به تدریج فراهم شود؛ از این رو در ابتدای فعالیت احزاب اسلامی، خواستار ائتلاف با این احزاب شد، ولی جبهه نجات اسلامی این پیشنهاد را رد کرد. این جنبش مخالفت خود را با روش جبهه نجات اسلامی در برقراری فوری حکومت اسلامی اعلام کرد و راه‌حل اصلاح تدریجی را تنها راه‌حل بحران الجزایر دانست. جنبش النهضه به‌عنوان یک حزب اسلامی میانه‌رو مطرح است و تعداد اندکی از مسلمانان الجزایر از این جنبش حمایت می‌کنند. این جنبش هنوز هم به فعالیت خود ادامه می‌دهد. رژیم الجزایر پس از انحلال جبهه نجات اسلامی با حزب النهضه وارد مذاکره شد. جنبش اسلامی النهضه خواستار برقراری دموکراسی در جامعه و اعطای آزادی‌های سیاسی به تمام احزاب و جمعیت‌ها و احترام به خواست مردم مسلمان و فعالیت مسالمت‌آمیز تمام احزاب سیاسی است. جنبش اسلامی النهضه انحلال جبهه نجات را توسط رژیم محکوم کرد و خواستار ادامه فعالیت این جبهه و تمام احزاب شد (مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، الجزایر، ۱۳۹۱: ۲۸۰-۲۶۹).

النهضه به برقراری حکومت اسلامی و تغییرات ریشه‌ای در جامعه معتقد است و خواستار برقراری دموکراسی و آزادی در جامعه است و اجرای احکام اسلامی را یک اقدام ضروری می‌داند. این جنبش نیز مذاکره با رژیم و فعالیت در سایه آن را جایز می‌داند. جنبش معتقد است که گروه‌های اسلامی فعال در صحنه باید با یکدیگر همکاری کنند تا حکومت اسلامی برقرار شود؛ از این رو در ابتدای فعالیت، احزاب اسلامی خواستار ائتلاف این احزاب شد. این جبهه ضمن رد عملیات مسلحانه مسلمانان، مخالفت خود را با هرگونه عملیات مسلحانه اعلام کرد. النهضه در انتخابات پارلمانی ۲۶ دسامبر ۱۹۹۱ شرکت کرد ولی حتی یک کرسی از مجموع ۴۳۰ کرسی را به دست نیاورد (صالحی، ۱۳۹۰). اما در انتخابات پارلمانی پنجم



ژوئن ۱۹۹۷ برای انتخاب ۳۸۰ نماینده - به دنبال انتخابات تعدیل قانون اساسی در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۶ - در فضایی آکنده از مأموران امنیتی، النهضه موفق به کسب ۳۴ کرسی شد و در جایگاه چهارم قرار گرفت. همچنین در انتخابات شوراهای شهری و استانی که در ۲۳ اکتبر همان سال برگزار شد، جنبش النهضه موفق به کسب ۲۹۰ کرسی شوراهای شهری و ۱۲۸ کرسی شوراهای استانی شد. این جنبش در جریان سیاست وفاق ملی عبدالعزیز بوتفلیقه، به حمایت از آن پرداخت و قانون وفاق ملی را گامی مثبت تلقی کرد هرچند آن را برای درمان همه آلام و دردهای الجزایر و ریشه‌های بحران کافی ندانست (گروه پژوهش، ۱۳۹۰: ۱۲۵-۱۲۳ و ۱۳۰).

در طلیعه انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۹۹۸ جاب‌الله خود را برای این دوره از انتخابات نامزد کرده و انتظار و خواست او این بود که جنبش از نامزدی او حمایت کند. این تصمیم با مخالفت اکثریتی از سازمان به رهبری دکتر حبیب آدمی، معاون او قرار گرفت؛ زیرا آنان تصمیم به حمایت از نامزدی بوتفلیقه داشتند. این اختلاف در نهایت منجر به انشعاب در سازمان و جدا شدن جاب‌الله از این تشکیلات و تأسیس حزبی جدید توسط او شد. حبیب آدمی معاون قبلی النهضه و طرفداران او به دنبال انشعاب در النهضه مشی سیاست همزیستی و تعاطف بیشتر با دولت را برگزیدند و به همین علت با پذیرش نامزدی بوتفلیقه در صدد بودند تا نقشی در دولت آینده به دست آورند. هرچند آنان خط‌مشی و موضع اصولی خود را مبنی بر مخالفت مسالمت‌آمیز با سیطره نظامیان بر مقدرات کشور همچنان حفظ کردند. دکتر حبیب آدمی استاد دانشگاه فیزیک الجزایر و دبیرکل جدید النهضه در مصاحبه با مجله النهار در سال ۲۰۰۳، حزب خود را وارث جبهه نجات اسلامی دانست و اعلام کرد: جبهه نجات اسلامی در زمان فعلی وجود ندارد و رهبران آن به دلیل اختلاف آراء متفرق و پراکنده شده‌اند و امروز جنبش ما توانسته است هواداران جبهه نجات اسلامی را به سوی خود جذب کند. وی افزود جنبش خواستار فعالیت‌های تشکیلاتی حزب در چهارچوب قانون اساسی و نظام داخلی کشور، همچنین تحقق آشتی ملی، آزادی و نظام مبتنی بر دموکراسی و تجسم عینی خواست مردم است. اما به‌رغم این سخنان به نظر می‌رسد که این حزب از پایگاه اجتماعی محدودی در آن کشور برخوردار است. این جنبش در انتخابات می ۲۰۰۲ تنها یک

کرسی به دست آورد و در انتخابات بعد این جنبش پنج نماینده در پارلمان الجزایر دارد (مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۱).

۳-۴. جنبش اصلاح ملی

همان‌گونه که ذکر شد اختلاف در نهایت موجب انشعاب در سازمان و جدا شدن جاب‌الله از این تشکیلات و تأسیس حزبی جدید به نام «جنبش اصلاح ملی» توسط او شد. جاب‌الله موضع اصولی خود را مبنی بر مخالفت مسالمت‌آمیز با سیطره نظامیان بر مقدرات کشور همچنان حفظ کرد. جاب‌الله پس از تأسیس حزب اصلاح و النهضة از سوی این حزب به عنوان نامزد ریاست جمهوری معرفی شد و مورد حمایت قرار گرفت. این حزب در انتخابات می ۲۰۰۲، ۴۳ کرسی به دست آورد (مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۱: ۲۷۵).

۴-۴. تشکل الجزایر سبز

همان‌گونه که ذکر شد هرچند با روی کار آمدن رئیس‌جمهور بوتفلیقه در ۱۹۹۹ روابط اسلام‌گرایان و حکومت بهتر شد، او یک دستورکار اصلاحات مؤثر را از جمله اصلاح قانون اساسی آغاز کرد. قوانین جدید انتخاباتی و برنامه مطبوعات همراه با چند تغییر کلیدی دیگر با هدف محدود کردن فساد و کاهش موانع اداری برای اطمینان از مشارکت تمام نیروهای سیاسی، ارائه شد.

اما به تدریج اختلافات طرفین تشدید شد؛ به طوری که سلطانی (رئیس جنبش جامعه صلح) خاطر نشان کرد: با وجود تعهدات رئیس‌جمهور الجزایر برای انجام اصلاحات سیاسی، آزادسازی رسانه‌ها و اصلاح قانون اساسی، گروه‌های اسلام‌گرا بر این اعتقادند که بوتفلیقه به تعهدات خود پایبند نیست؛ زیرا تاکنون هیچ اقدامی در این زمینه انجام نداده است. لذا رهبران سه حزب «جنبش جامعه صلح»، به دبیر کلی **ابوجره سلطانی** و «جنبش اصلاح ملی» به ریاست **حملاوی عکوشی** و «جنبش النهضة الاسلامیه» به رهبری **فاتح ربیعی** با امضای توافقنامه‌ای برای حضور یکپارچه و ارائه فهرست مشترک در انتخابات پارلمانی الجزایر با یکدیگر متحد شدند. سه حزب اسلام‌گرای مذکور تشکل الجزایر سبز را به وجود آوردند. احزاب عضو تشکل الجزایر سبز به عنوان یکی از جریان‌های مهم سیاسی این کشور معتقدند



در صورت برگزاری یک انتخابات شفاف و سالم پیروز این انتخابات خواهند بود. این ائتلاف نخستین تجربه اسلام‌گرا برای احزاب سیاسی الجزایر پس از سرکوب جبهه نجات اسلامی به‌شمار می‌آید.

۵. چشم‌انداز و راهبردهای آینده اسلام‌گرایان در الجزایر

همان‌گونه که اشاره شد، پس از انحلال جبهه اسلامی و حذف جریان رادیکال از عرصه سیاسی الجزایر، چند گروه اسلام‌گرا با مشی میان‌روانه در عرصه سیاسی الجزایر حضور دارند که تفاوت آنها را می‌توان در تاکتیک‌های سیاسی آنها دانست. برخی از آنها بر ضرورت همپایی با دولت تأکید داشتند و برخی دیگر از استقلال بیشتری نسبت به دولت برخوردار بودند؛ اما هر دو گروه بر مشی مسالمت‌آمیز سیاسی تأکید می‌نمایند. درنهایت نیز در سال‌های اخیر این گروه‌های اسلام‌گرا به یکدیگر نزدیک شده و جبهه جدیدی به نام «تشکل الجزایر سبز» را تشکیل دادند که با مشارکت در انتخابات، برای به‌دست آوردن قدرت از راه‌های دموکراتیک تلاش می‌کنند.

به‌دنبال تحولات اخیر منطقه و انقلاب در کشورهای مصر و تونس و لیبی و... نگرانی از قدرت‌یابی مجدد اسلام‌گرایان در عرصه سیاسی الجزایر و به‌ویژه در انتخابات مجلس در بهار ۲۰۱۲ مطرح شد. سازمان امنیت الجزایر اعلام کرد، اطلاعاتی در اختیار دارد که نشان می‌دهد اسلام‌گرایان این کشور از هم‌مسلمان خود در تونس، لیبی، مصر و مغرب کمک خواسته‌اند تا حلقه بهار عربی را در شمال افریقا تکمیل کنند.

دولت الجزایر به‌منظور تکرار این تحولات اصلاحاتی را در نظر گرفت. ازجمله، با تصویب قوانین جدید مربوط به احزاب زمینه را برای فعالیت احزاب سیاسی و گسترده‌تر شدن تعداد احزاب سکولار از یک‌سو و ایجاد تشتت بین اسلام‌گرایان از سوی دیگر فراهم آورد زیرا در این فضا اسلام‌گرایان نیز به تشکیل احزاب جدید پرداختند. ده‌ها حزب با دیدگاه‌ها و شعارهای اسلامی که پیش از برگزاری انتخابات مجلس در بهار ۲۰۱۲ مجوز تأسیس و فعالیت پیدا کرده بودند، وارد کارزار انتخابات و رقابت‌های انتخاباتی شدند.

در این انتخابات گروه‌های اسلام‌گرای میانه‌رو با ائتلاف در قالب جبهه‌ای با نام تشکل الجزایر سبز به کارزار انتخاباتی وارد شدند. تحلیلگران انتظار داشتند اسلام‌گرایان الجزایر در این انتخابات پیروز شوند؛ با این حال نتیجه انتخابات مجلس ملی خلق الجزایر در ۱۰ مه ۲۰۱۲ در وضعیتی ناهمگون با تحولات کشورهای عربی و اصلاحات قابل توجه در کشورهای همسایه بود و نتیجه اعلام شده انتخابات حاکی از این بود که اسلام‌گرایان نتوانستند اکثریت آراء را کسب کنند. وزیر کشور الجزایر در کنفرانسی مطبوعاتی برای اعلام نتایج انتخابات پارلمانی گفت که حزب حاکم جبهه آزادی‌بخش ملی ۲۲۰ کرسی را از مجموع ۴۶۲ کرسی پارلمان از آن خود کرده است و اکثریت کرسی‌های مجلس را به دست آورد. این در حالی است که تشکل الجزایر سبز که اسلام‌گرایان میانه‌رو مرتبط با حکومت آن را تشکیل داده‌اند، ۴۸ کرسی را از آن خود کرده و در مکان سوم قرار گرفتند؛ با این حال، یک باور گسترده در الجزایر وجود داشت که نتایج اعلام شده دستکاری شده است و جناح ائتلاف اسلامی سبز که سه حزب اسلام‌گرای الجزایری را دربر می‌گیرد، در بیانیه‌ای اعلام کرد که برای ما ثابت شد که در انتخابات تقلب‌های گسترده و بزرگی روی داده است و نتایج به شکلی بسیار غیرمنطقی و نامعقول به سود حزب ملی حاکم تغییر داده شده است؛ اما در عین حال اسلام‌گرایان از هرگونه اقدام رادیکال در مقابل نتیجه انتخابات خودداری کرده و منتظر آینده باقی مانده‌اند. به هر حال ظهور نسبتاً ضعیف اتحاد سبز اسلام‌گرایان نشان‌دهنده روندی برخلاف برخی از همسایگان الجزایر مانند مراکش، تونس و مصر، بود که در آن احزاب اسلام‌گرا آرای بالایی در انتخابات پارلمانی به دست آوردند (Smith, 2013: 5).

درواقع برخلاف کشورهای همسایه، که در آن احزاب اسلام‌گرا در انتخابات اخیر پیروز شدند، احزاب هم‌سو با دولت الجزایر نزدیک به ۶۰ درصد از ۴۶۲ کرسی مجمع ملی خلق را به دست آوردند. جبهه آزادی‌بخش ملی رئیس‌جمهور به رهبری عبدالعزیز بوتفلیقه موفق به کسب ۲۰۸ کرسی و حزب دموکراتیک ملی متعلق به نخست‌وزیر **احمد/ویحیی** نیز ۶۸ را از آن خود کردند. ائتلاف اسلامی موسوم به ائتلاف سبز الجزایر، رتبه سوم را با کسب ۴۹ کرسی به دست آورد. این ائتلاف اعلام نمود به دنبال یک قانون اساسی جدید مبتنی بر یک «دولت مستقل

دموکراتیک و اجتماعی در الجزایر است که به ارزش‌های اسلامی احترام بگذارد». جبهه نیروهای سوسیالیست مستقر در استان بربر الجزایر که انتخابات ملی این کشور را به مدت ۱۵ سال به علت اعتقاد به تقلب دولت تحریم کرده بودند در انتخابات ۲۰۱۲ شرکت کردند و با کسب ۲۷ کرسی رتبه چهارم را به دست آوردند (Smith, 2013: 6).

جدول شماره (۱). نتایج انتخابات پارلمانی ۲۰۱۲ الجزایر

نام حزب	تعداد کرسی‌ها
جبهه آدیخش ملی	۲۲۰
حزب دموکراتیک ملی	۶۸
ائتلاف سبز الجزایر	۴۸
جبهه نیروهای سوسیالیست	۲۱
حزب کارگر	۲۰
کاندیداهای مستقل	۱۹
جبهه ملی الجزایر	۹
حزب عدالت و توسعه	۷
جنبش مردمی الجزایر	۶
طلوع نوی	۵
سایر گروه‌ها	۳۹

Source: <http://www.europeanforum.net/country/algeria>

نتیجه‌گیری

در مورد دلایل عدم موفقیت اسلام‌گرایان در انتخابات اخیر، به نظر می‌رسد تجربه گذشته در الجزایر باعث شده است تا دولت اولاً با انجام سریع برخی اصلاحات سیاسی و اجتماعی در کشور، از جمله گفت‌وگو با احزاب و گروه‌های سیاسی در مورد مسائل گوناگون از قبیل قوانین مربوط به احزاب، انتخابات، قوانین مربوط به مجلس و قانونگذاری و... قدرت مانور جریانات اسلام‌گرا به ویژه جبهه نجات اسلامی را در جریان تحولات بیداری اسلامی از آنان سلب کند، به طوری که این مسئله در کنار وعده اعطای امتیازات گسترده اقتصادی و رفاهی مانند افزایش صد درصدی حقوق کارگران و کارمندان دولت، ارائه وام‌های متعدد و زمین و امکانات کشاورزی برای جمعیت دهقانی این کشور، سطح رضایت عمومی را افزایش داده و برای چاره‌جویی در برابر مخالفت‌های مردمی، زمان لازم را به مقامات الجزایر داده



است تا اوضاع را کنترل کنند.

به علاوه بوتفلیقه پس از جنگ داخلی این کشور به عنوان شخصیت سیاسی که مدتی به حاشیه رانده شده بود، با بازگشت به صحنه سیاسی توانست دست کم در زمینه برقراری ثبات و امنیت داخلی و رفاه اجتماعی قدم‌های قابل توجهی برداشته و تا حدی نارضایتی‌های عمومی را فرونشاند. او در زمینه اجرای اصلاحات، حتی یک شبکه ویژه قرآن مجید نیز برای جلب قلوب اسلام‌گرایان دایر کرده است و توجه بیشتری به گسترش فرهنگ اسلامی در جامعه دارد؛ به طوری که بررسی دقیق شرایط سیاسی و اجتماعی الجزایر نشان می‌دهد که این کشور در شرایط بهتری قرار دارد و آزادی نسبی در نقد حکومت وجود دارد که خود این مسئله نیز توان بسیج عمومی و ایدئولوژیکی اسلام‌گرایان در برابر دولت را پایین آورده است.

مسئله بعدی در این مورد مربوط به واگرایی مردم از نیروهای اسلام‌گراست. به این علت که خاطره درگیری‌های خونین دهه ۹۰ میلادی همچنان بر پس‌زمینه ذهنی بیشتر مردم الجزایر نقش بسته است. بنابراین شروع مجدد ناآرامی و وحشت عمومی در جامعه به سرکردگی گروه‌های اسلام‌گرا، مردم این کشور را از وقوع رویدادهای این‌چنینی و تکرار آنچه در لیبی می‌گذرد، گریزان ساخته است؛ لذا خود این مسئله به سود دولت بوده و توان مدیریت دولت را در جریان تحولات بیداری اسلامی افزایش داده است.

مسئله دیگری که موجب تمایز وضعیت سیاسی و اجتماعی الجزایر با دیگر کشورهای منطقه شده است، ضعیف و پراکنده بودن مخالفان دولت است. اگرچه تشکلی مانند «جبهه نجات اسلامی» سال‌ها به عنوان مهم‌ترین اپوزیسیون دولت فعالیت کرده و هم‌اکنون نیز احزاب مخالف و معارض در الجزایر فعال هستند، اما این گروه‌ها از توانایی عملیاتی کردن امکانات سیاسی خود برخوردار نبوده و فاقد توان گسترش مخالفت‌های سیاسی به صحنه رویدادهای اعتراضی اجتماعی هستند. علاوه بر این شمار قابل ملاحظه‌ای از گروه‌ها با اعلام شرکت یا دست‌کم مخالف نبودن با جریان گفت‌وگو بر سر اصلاحات به صورت تلویحی و ضمنی از این موضوع استقبال کرده‌اند. بر این اساس باید گفت حکومت الجزایر به نسبت دیگر حکومت‌های اقتدارگرای منطقه با چالش‌های کمتری در زمینه مخالفت‌های مردمی

روبه‌رو است.

در مجموع فرازونشیب فعالیت اسلام‌گرایان در الجزایر تجربه بسیار مهمی برای جنبش‌های اسلامی است و به‌نظر می‌رسد این جنبش به‌رغم ضعف نسبی خود در شرایط کنونی در حال تجدیدنظر در راهکارهای گذشته و دور شدن از افراط‌گرایی و زمینه‌سازی برای احیای قدرت فرهنگی و سیاسی خود در شرایط جدید است و به بیان دیگر با استفاده از تجارب جریان‌های اسلام‌گرای معتدل در منطقه و به‌رغم موانع موجود برای تصرف قدرت از راه‌های مسالمت‌آمیز و دموکراتیک تلاش می‌کند و در آینده با تغییر استراتژی و با استفاده از تجربیات قبلی به بازسازی خود و ایفای نقش مجدد در جامعه اسلامی الجزایر ادامه خواهد داد. هرچند به‌نظر می‌رسد با توجه به عواملی همچون نفوذ گسترده ارتش و جریان سکولار در ساختار قدرت، تجربه تاریخی درگیری‌ها بین اسلام‌گرایان و دولت، و دلسردی بخشی از مردم از بخشی از جریان‌های افراطی اسلام‌گرا از قدرت تأثیرگذاری آنها تا حد زیادی کاسته شده است.*



یادداشت‌ها

۱. مانند رابطه الدعوة الاسلامیه به رهبری شیخ احمد سهنون که چتر فرهنگی و علمی بوده و جریانات مختلف اسلام‌گرایی را در خود جذب کرده بود. این جنبش که میزان پیکارجویی آن متوسط بود، جنبشی ارشادی و فرهنگی بوده و در مساجد الجزایر جایگاه داشت.

۲. پس از استقلال الجزایر، نحناح به تشکیل هسته اسلام‌گرا می‌پردازد. این هسته فکری مذهبی با عنوان «جماعة الموحدين» در مراکز علمی و دانشگاهی فعالیت داشته است. مخالفت‌ها و مواضع نحناح علیه سیاست اقتصادی (شیوه سوسیالیستی) و قانون اساسی الجزایر (۱۹۷۶) و قانون خانواده و اصلاحات ارضی حکومت هواری بومدین، او را در معرض پیگیری اطلاعاتی - امنیتی دولت قرار داد. در نهایت به اتهام توطئه علیه دولت به ۱۵ سال زندان محکوم شد که با درگذشت بومدین و روی کار آمدن ژنرال شاذلی بن جدید در ۱۹۷۹، نحناح و دوستانش از زندان آزاد شدند و فعالیت سیاسی مسالمت‌جویانه خود را شروع کردند.



منابع

الف - فارسی

- «آشنایی با کشور الجزایر»، برگرفته از سایت: www.hamshahrionline.ir/news-60346.aspx.
- «جنگ داخلی الجزایر»، برگرفته از سایت دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا: <http://fa.wikipedia.org/>.
- احمدی، حمید. ۲۶ مهر ماه ۱۳۶۷. «در الجزایر چه می‌گذرد»، *روزنامه کیهان*، ص ۱۴.
- اسپوزیتو، جان‌ال. ۱۳۸۹. *جنبش‌های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی)*، ترجمه شجاع احمدوند، تهران: نشر نی.
- امیرخانی فراهانی، فاطمه. ۱۳۸۸. *الجزایر*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- آزاد، نادر. ۱۳۸۰/۱۰/۱۳. «اعمال خشونت‌آمیز در الجزایر»، *نشریه صدای عدالت*.
- ثقفی، سید محمد. اردیبهشت ۱۳۷۱. «جنبش اسلامی الجزایر: جغرافیای سیاسی الجزایر»، *مجله درس‌هایی از مکتب اسلام*، شماره ۳۷۳.
- جاوید، شکیب. ۱۳۸۶. «اخوان‌المسلمین در منطقه شمال آفریقا»، قابل‌بازیابی در: www.bashgah.net/peoples-9269.
- خسروشاهی، سیدهادی. ۱۳۷۹. *الجزایر سرزمین قهرمانان اسلامی*، تهران: انتشارات کلبه شروق.
- دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱۰. ۱۳۸۵. زیر نظر حداد عادل، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، چاپ اول.
- دکمجیان، هرایر. ۱۳۷۷. *جنبش‌های اسلامی در جهان عرب*، تهران: انتشارات کیهان.
- روا، ژول. ۱۳۶۱. *جنگ الجزایر*، ترجمه اسدالله مبشری، تهران: انتشارات آگاه.
- سیدسلیمان، حسن. ۱۹۹۲. *اسلام سیاسی در الجزایر*، سند چاپ‌شده در کتاب اسلام در آفریقا، مدثر عبدالرحیم و التیجانی عبدالقادر، مؤسسه دارالحکمه للطباعة و النشر المحدوده، خارطوم.
- عباسی، علی. ۱۳۷۰. *نگرشی بر روند تحولات در الجزایر*، تهران: سازمان عقیدتی - سیاسی نیروی انتظامی.
- کسرابی، شاکر. ۱۳۸۰. *اسلام‌گرایی در الجزایر*، تهران.

گروه پژوهش. ۱۳۹۰. *آشنایی با حرکت‌های اسلامی، جبهه نجات اسلامی در الجزایر*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، چاپ اول.
محمد، ابراهیم. ۱۳۸۵. *جبهه نجات اسلامی الجزایر*، ترجمه مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران: اندیشه‌سازان نور، چاپ اول.
مؤسسه مطالعاتی اندیشه‌سازان نور. ۱۳۹۱. *الجزایر*، تهران: اندیشه‌سازان نور.

ب - انگلیسی

- COI, Service. January 2013. **Algeria-Country of Origin Information (COI)**, Report Coiuk Border Agency 17.
- Dessi, Andrea. September 2011. "Algeria at the Crossroads, Between Continuity and Change", **Istituto Affari Internazionali (IAI)**, Working Papers 11.
- Mellah, Salima. November 2004. "The Algerian Islamist Movement between Autonomy and Manipulation, 32nd Session of the Permanent Peoples". **Tribunal on Human Rights Violations in Algeria (1992-2004)**.
- Nessel, Rich. November 2011. "Islamism in Algeria and the Evolution to AQIM: Transformations of Significance and in Significance", **Globalecco**, Vol. 1, No. 2.
- Service, COI. 17 January 2013. "Algeria-Country of Origin Information (COI)", **Report COI, UK Border Agency**.
- Smith, Ben. 18 January 2013. "Algeria 2013, Commons Library Standard Note: SNIA/6530, International Affairs and Defence Section", Available at: <http://www.parliament.uk/briefing-papers/SN06530>.
- Wiktorowicz, Quintan. 2006. "Anatomy of the Salafi Movement, Studies in Conflict & Terrorism", **Taylor & Francis Group**.

